



«نظام اقتصادی اسلام» منشأ علم «اقتصاد اسلامی» است

اگر «نظام اقتصاد اسلامی» شکل بگیرد، افرادی که محصول این نظام اقتصادی هستند، رفتارهایی از خود بروز خواهند داد و کسانی با نام دانشمند اقتصاد، آن رفتارها را تحلیل کنند و علم اقتصاد را از آن استخراج کنند، بر این اساس باید گفت که منشأ علم اقتصاد اسلامی، نظام اقتصادی اسلام است.

اگر «نظام اقتصاد اسلامی» شکل بگیرد، افرادی که محصول این نظام اقتصادی هستند، رفتارهایی از خود بروز خواهند داد و کسانی با نام دانشمند اقتصاد، آن رفتارها را تحلیل کنند و علم اقتصاد را از آن استخراج کنند، بر این اساس باید گفت که منشأ علم اقتصاد اسلامی، نظام اقتصادی اسلام است.

حسن سبحانی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این‌که اقتصاد با تئوری‌های خود که ابزارهای اقتصاد هستند، در عرصه‌های مختلفی کارکرد پیدا می‌کند، اظهار کرد: یکی از کارکردهایی که اقتصاد متعارف دارد، کارکرد در دین است. همان‌طور که این اقتصاد در پزشکی، مسکن و... کارکرد دارد، در دین هم می‌توان قائل به کارکردهای اقتصادی شد که از آن با عنوان «اقتصاد دین» یاد می‌کنیم که با «اقتصاد دینی» متفاوت است.

وی افزود: به عنوان نمونه «اقتصاد اسلام» به آن معناست که مفاهیم دینی با ابزارهای علم متعارف بررسی و تجزیه و تحلیل می‌کنیم؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود که در اسلام اگر مسلمان‌ها انفاق می‌کنند یا اگر کسی برای پاداش اخروی صدقه‌ای می‌دهد، پرسش این‌جاست که این رفتار را چگونه می‌توانیم با تئوری‌های اقتصادی که اکنون وجود دارد، تحلیل و توجیه کنیم؟ این بررسی را اقتصاد دین یا اقتصاد اسلام می‌نامیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران خاطرنشان کرد: اقتصاد اسلام به این معنا اقتصاد اسلامی یا اقتصاد دینی نیست، زیرا ابزار تجزیه و تحلیل از خاستگاه سرمایه‌داری بلند شده و با این ابزار معطوف به این خاستگاه به تحلیل دین پرداخته می‌شود؛ همان‌طور که اقتصاد بخش مسکن یا مصادیق دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

وی ادامه داد که به عنوان مثال، وقتی همه به دنبال کسب حداکثر منفعت برای خود هستند و همچنین همه حاضر هستند برای این‌که بیشتر به دست بیاورند، هزینه‌هایی را هم بپردازند، زیرا با زحمت کشیدن چیزی به دست می‌آید؛ این مطلب قابل فهم است و درست به نظر می‌رسد، اما جالب این است که همین کسب منفعت در مورد سرقت کردن هم مصداق پیدا می‌کند.

سبحانی با اشاره به این‌که وقتی مجرمی می‌خواهد قتل یا سرقت کند، بررسی می‌کند که چه میزان منفعت به دست خواهد آورد، ادامه داد: از طرف دیگر وی بررسی می‌کند که چه میزان احتمال دستگیری و زندانی شدن وجود دارد؛ بنابراین سارق آماده می‌شود که هزینه‌ای را در قبال به دست آوردن منفعت بپردازد و خطر کند.

وی افزود: اگر او در محاسبات خود به این جمع‌بندی برسد که احتمال دستگیر شدن کمتر از دستگیر نشدن است، او مرتکب این فعل می‌شود و درباره خوبی و بدی اخلاقی این عمل تأمل نمی‌کند، زیرا او صرفاً در پی منفعت خود است. تئوری‌های اقتصادی سرمایه‌داری از این زاویه به مسائل نگاه می‌کند و با همین تئوری‌ها به دین هم می‌پردازند.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران همچنین خاطرنشان کرد: به عنوان مثال، تحلیل اقتصاد سرمایه‌داری از دین این است که اگر یک مسلمان در ماه رمضان انفاق می‌کند، برای کسب منفعت خود تلاش می‌کند، اما براساس باورهای خود، منفعت خود را نه در این دنیا، بلکه در عالم آخرت دریافت می‌کند؛ اما در عین حال هدف او از این انفاق پیگیری خودخواهی‌های خود است.

وی با تأکید بر این‌که در اقتصاد متعارف فردگرایی محور است و جمع اصلاً وجود ندارد، افزود: بر اساس این تفکر، جمع از وجودی اعتباری برخوردار است؛ در حالی که در اسلام فرد به هر حال با جمع در ارتباط است و چنان نیست که فرد همه چیز را برای خود بخواهد. بر این اساس، اقتصاد متعارف از ریشه با اقتصاد مبتنی بر دین، اخلاق و احکام متفاوت است و همین مطلب، ضرورت بررسی‌های دقیقی را ایجاب می‌کند.

سبحانی با بیان این‌که از مبانی فکری اسلام، یک نظام اقتصادی استخراج می‌شود و از مبانی فکری دیگر، نظام اقتصادی دیگری استخراج می‌شود، اظهار کرد: از این منظر اگر نظام اقتصادی را محقق ندانیم و فرض کنیم که نظامی اقتصادی وجود دارد که رفتارهایی در آن شکل می‌گیرد که می‌توان از آن تئوری‌هایی پرداخت و به علم اقتصاد رسید، در واقع همان روشی را در پیش گرفته‌ایم که شهید

وی ادامه داد: شهید صدر می‌گوید که ما در حال حاضر علم اقتصاد اسلامی نداریم، اما منطقاً می‌توانیم داشته باشیم و در عین حال نمی‌توانیم آن را به محک تجربه بگذاریم. البته این شرط باید رعایت شود که با عنایت به این‌که آیات قرآن و روایاتی که به ما رسیده است، از اتقان و یقین برخوردارند و مطمئن باشیم که این روایات و آیات تحریف نشده‌اند.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران همچنین خاطرنشان کرد: با توجه به یقینی بودن این منابع، می‌توان نظامی پیشینی طراحی کنیم و بگوییم که اگر در جامعه مسلمانی وجود داشته باشد، این‌چنین رفتار خواهد کرد و سپس به تئوری‌پردازی در خصوص آن رفتارهای بپردازیم و از آن علم اقتصادی را استنتاج کنیم که مبتنی بر مبانی اسلام باشد.

وی افزود: ایرادی که به این روش وارد است، پرسش از این است که آیا می‌توان چنین اموری را در تجربه نشان داد و پرسش از این‌که آیا اطمینان داری که چنین رفتاری بروز خواهد کرد؟ و از کجا می‌دانیم که چنین رفتاری اتفاق خواهد افتاد؟ که پاسخ شهید صدر این خواهد بود که این موارد با توجه به آیات قرآن و روایات معصومین (ع) یقینی است، اما قابل اثبات تجربی نیست.

سبحانی همچنین اظهار کرد: به نظر من اگر بخواهیم علم اقتصاد را به صورت پیشینی مطرح کنیم و بدون توجه به تجربه و صرفاً با توجه به مفروضاتی که بر اساس آیات و روایات، در نظر بگیریم، باید بکوشیم که این عمل را به صورت سازگار به انجام برسانیم و در این‌صورت می‌توان از نوعی علم اقتصاد پیشینی سخن گفت، اما فایده‌ای عملی بر آن مترتب نخواهد بود.

وی با بیان این‌که ممکن است بگوییم که علم اقتصاد پیشینی مذکور، به عنوان جامعه‌ای الگو مدنظر ما قرار بگیرد، افزود: اما به پیش‌بینی تئوری‌هایی که پیشینه تجربی ندارند و تولید نمی‌شوند، نیاز نداریم و آنچه که فایده‌ای برای ما می‌تواند داشته باشد، مشخص کردن ابعاد نظام اقتصادی اسلام و تلاش برای تحقق این نظام است، زیرا نظام اقتصادی را می‌توان به وجود آورد.

وی خاطرنشان کرد: اگر «نظام اقتصاد اسلامی» شکل بگیرد، با ایجاد نظام اقتصادی اسلام، خود به خود افرادی که محصول و برآیند و تحت‌الشعاع این نظام اقتصادی هستند، رفتارهایی از خود بروز خواهند داد و کسانی هستند که با نام دانشمند اقتصاد، آن رفتارها را تحلیل کنند و علم اقتصاد را از آن استخراج کنند و بر این اساس باید گفت که منشأ علم اقتصاد اسلامی، نظام اقتصادی اسلام است.